

حصار و سگ‌های پدرم

شیرزاد حسن

مترجم:

رضا کبیر جاور



۱۳۹۵

سرشناسه: حسن، شیرزاد، ۱۹۵۱ - م. Hasan, Shyrzad
 عنوان قراردادی: هه‌سار و سه‌گه‌کاتی باوگم. فارسی
 عنوان و نام پدیدآور: حصار و سگ‌های پدرم/رمان شیرزاد حسن؛ ترجمه‌ی رضا کریم. رز.
 مشخصات نشر: تهران: افراز، ۱۳۹۵.
 مشخصات ظاهری: ۹۶ ص.
 شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۳۲۶-۲۱۸-۸
 وضعیت فهرست‌نویسی: فیا
 یادداشت: کتاب حاضر قبلاً در سال‌های مختلف توسط مترجمان و ناشران متفاوت منتشر شده است.
 موضوع: داستان‌های کردی -- عراق -- قرن ۲۰ م.
 شناسه‌ی افزوده: کریم‌مجاور، رضا، ۱۳۵۷ -، مترجم
 رده‌بندی کنگره: PIR ۳۲۵۶/۲۴۵-۵۳ ۱۳۹۴
 رده‌بندی دیویی: ۹۵۸/۲۳
 شماره‌ی کتاب‌شناسی ملی: ۴۰۴۳۱۷۴



انتشارات افراز

دفتر مرکزی: خیابان سلسله، پلاک ۱، واحد ۳ | تلفن: ۶۶۴۰۱۵۸۵

واحد تولید و توزیع: خیابان دانشگاه، پایین تر از جمهوری، کوچه دانا، پلاک ۱۲ | تلفن: ۶۶۹۷۷۱۶۶

مرکز پخش: ۶۶۴۸۹۰۹۷

فروشگاه: خیابان دانشگاه، مجتمع تجاری دانشگاه، کتابفروشی تخصصی هنر و ادبیات افراز | تلفن: ۶۶۹۵۲۸۵۳

وبسایت و فروشگاه اینترنتی: www.afrazbook.com

email: info@afrazbook.com

حصار و سنگ‌های مدرم

شیرزاد حسن

مترجم: رضا کریم مجاور

نوبت چاپ: اول / ۱۳۹۵

طراحی جلد: یاسین محمدی / آتلیه افراز

آرایش صفحات: یاسمین حشدری

لیتوگرافی / چاپ / صحافی: ترنج / تصویر / یکتافر

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

قیمت: ۹۰۰۰ تومان

تمام حقوق این اثر برای انتشارات افراز محفوظ است.

هیچ بخشی از این کتاب، بدون اجازه‌ی مکتوب ناشر، قابل تکثیر یا تولید مجدد به هیچ شکلی

از جمله چاپ، فتوکپی، انتشار الکترونیک، فیلم، نمایش و صدا نیست.

این اثر تحت پوشش قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان ایران قرار دارد.

دیباچه

حصار و سگ‌های پدربزرگ، معروف‌ترین رمان شیرزاد حسن، نویسنده‌ی بلندآوازه‌ی کرد، و از مهم‌ترین آثار تاریخ دیباچه، داستانی کردستان است. این رمان که از آن به‌عنوان نوعی نقطه‌ی عطف در تاریخ ادبیات داستانی کرد یاد می‌شود، در سال ۱۹۹۶ منتشر شد و نقدها و نظرها زیادی را به‌دنبال خود آورد. با گذشت نزدیک به دودهمه از انتشار حصار و سگ‌های پدربزرگ، این اثر همچنان بزرگ‌ترین شاهکار شیرزاد حسن به‌شمار می‌آید و به‌نظر می‌رسد که برای همیشه به‌عنوان برترین اثر نویسنده باقی خواهد ماند...

حصار و سگ‌های پدربزرگ از یک دیکتاتور سخن می‌گوید... داستان یک دیکتاتور خودخواه و بیمار از نوع صدام حسین که جز خدای کسی را نمی‌بیند... این رمان، رمان عشق و عاشقی نیست... رمان دیکتاتوری است با حرمسرای از زنان زشت و زیبا و پیر و جوان... حدیث هولناک پدرکشی است... پسری که پس از تحمل رنج‌ها و دردهای بسیار از جانب پدرِ پدرسالارش، دست به شورش می‌زند و با نهایت بی‌عاطفگی، پدر را با ضربت خنجر به قتل می‌رساند... همان بی‌عاطفگی که از پدر به‌ارث برده است...

برخی کج‌اندیشان کوتاه‌بین در نگاهی سطحی به این رمان، دیدگاهی جنسی از آن ارائه می‌دهند که این دیدگاه ساده‌انگارانه درواقع نوعی توهین به

نویسنده است. کودکانه است اگر به برخی مسائل ساده‌ی اروتیک مطرح شده در این داستان، با نگاهی خام و سطحی بنگریم... مسائلی که شاید بتوان آن‌ها را در بسیاری از کتاب‌های آبکی زناشویی، بسیار صریح‌تر و بی‌پرده‌تر و با آب‌وتاب‌تر از این یافت. بدیهی است که شیرزاد در پشت این مسائل سطحی و گاه مبتذل، به موضوعات بزرگ‌تری نظر دارد...

شیرزاد حسن اگرچه نگاه و دیدگاهی فرویدی به جهان پیرامون خود دارد، فرویدیسم او فرویدیسمی از نوع شرقی آن است که از عشقی ناب و به‌دور از سرگونه خیانت سرچشمه می‌گیرد... عشقی روحانی، نه جسمانی... عشقی که همه‌ی زنان و مردان میهنش از آن سهمی دارند...

چنان‌که با نگاهی سطحی به کتاب‌هایی چون رباعیات خیام و دیوان حافظ و مثنوی معنوی... نگاهی بیندازیم، واژه‌ها و اصطلاحاتی از نوع «بوس و کنار، می و باده و شراب، شاد و دور و غلمان...» و حتا مضامینی همچون انکار قیامت و نماز و روزه به‌دفعه یافت می‌شود. در نگاه اول، چنین عارفان بزرگی را باید تکفیر کرد، اما چشم‌ها بین خوب می‌داند و درمی‌یابد که در پشت این واژه‌ها و مضامین ساده و سطحی‌گون، به نگاه ژرفی نهفته است... من در این جا نمی‌خواهم این بحث را بیشتر از این بزرگم، بلکه بزرگان ادب این مرز و بوم به تفصیل از آن سخن گفته‌اند...

فقط یک نکته‌ی دیگر را درباره‌ی حصار و سگ‌های پدرم یادآوری می‌شوم و آن این‌که: وقتی قهرمان داستان پدرش را می‌کشد، بلبشوی عجیبی بدین می‌آید و قاتل که انتظار دارد کسانی که پیش‌تر او را به قتل پدر تحریک کرده‌اند، تسون با آغوش باز وی را بپذیرند، با کمال تعجب می‌بیند همه بهش پشت می‌کنند و برای پدر از دست‌رفته‌شان مرثیه سر می‌دهند... نویسنده در این جا با ریزینی و موشکافی هرچه تمام‌تر می‌خواهد این نکته را یادآوری کند که در جوامع سنتی که مردم به وجود یک قدرت فزاینده خو گرفته‌اند، از میان رفتن یک‌باره‌ی این قدرت چیره و خشن، باعث نوعی هرج و مرج و آناشیسیم می‌شود...

حصار و سنگ‌های پدرم | ۱۱

و سرانجام این‌که شیرزاد حسن - و یا به قول بختیار علی: «این اودیپ
خجالتی کردستان» - با کمترین واژه‌ها اثری خلق کرده که به بزرگ‌ترین
شاهکارهای ادبیات جهان پهلومی‌زند.

بوکان، مهرماه ۱۳۹۰

ر.ک

www.ketab.ir